

سخنگوی دولت عراق:

سفر یکشنبه به تهران امنیتی بود

● ایسنا: سخنگوی دولت عراق درباره سفر اخیر هیئت این کشور به تهران گفت که این سفر به‌منظور بررسی اوضاع امنیتی بود. به گزارش‌المعلومه، حسن ناظم، سخنگوی دولت عراق، سه‌شنبه درباره سفر اخیر هیئت این کشور به تهران گفت: هیئت عراقی که از طرف دولت به ایران سفر کرد، اوضاع امنیتی را بررسی کرد. وی تأکید کرد: «نیروهای منطقه‌ای در عراق نفوذ دارند که باید با آنها درباره مسائل امنیتی به تفاهم رسید».

ادامه از صفحه اول

قوه قضائیه برنامه‌محور

مردم، رسانه‌ها و مردم‌نهادها باید قدرت ارزیابی و نقد داشته باشند تا واقعیت‌ها دیده شود و مسئولان بداند که باید به افکار عمومی گزارش دهند. کانون وکلای مستقل که امتیاز سازمان قضاوتی ایران است، پایگاه پیشگرو مردمی و قابل اتکایی است که می‌تواند در کنار کنشگران مستقل عدالت قضائی نقش آفرینی کند. دانشکده‌های حقوق و حوزه‌ها، نهادهای مدنی فعال در زمینه حقوق بشر و شهروندی می‌توانند در این عرصه مشارکت پویا و اثربخشی داشته باشند. در ارزیابی اجرای این سند باید نماگرهای مشخص و شاخص‌های شفاف ارزیابی پیش‌بینی شود و در دسترس مردم و رسانه‌ها قرار گیرد تا مدام تحلیل و آسیب‌شناسی شود. ۶. ماهیت سند تحول به‌مثابه برنامه و خط‌مشی قوه قضاست که براساس مأموریت دادگستری در اصل ۱۵۶ قانون اساسی ترسیم شده؛ اما مستلزم هم‌کاری قراقوه‌ای به‌ویژه در عرصه پیشگیری از جرم و احیای حقوق عامه و مبارزه با فساد است. تحول واقعی زمانی است که همه قوا برای آزادی مردم و حقوق مردم همداستان شوند و تقسیم‌کار هم‌افزایانه‌ای شکل بگیرد. ۷. تحول نخبه‌گرایانه ناظر بر‌صد چالش‌ها به شیوه علمی و بدون‌روتوش و ارائه طریق مسئله‌محور برای رفع نارسایی‌ها و نارسایی‌ها به اعتبار مأموریت معین برای جامعه هدف است. در این راستا قوه باید مکرر پایش و کنترل شود تا جامعه و وجدان عمومی درک صحیحی از رشد و بهبود کیفیت‌ها داشته باشند. اینکه سند تحول قابل ارتقا و به‌روزرسانی است، مزیت خوبی برای انطباق‌یابی مکرر با اهداف مأموریت‌هاست. سند باید با الگوی حکمرانی همکارانه و مشارکت غایتمندانه، ظرفیت انسانی و سیستمی مدیریت بهینه شود تا مسیر تحول با سرعت و بی‌مانعی طی شود. ۸. قوه اجرائی و موتور محرک هر مثن و سند و هنجار، نیروی انسانی است؛ مدیران بالکیزه و خیرخواه عموم که دل‌واپس عدالت و آزادی هستند، پشتوانه قوی اجرا هستند. روحیه تحول‌خواه به نقض سازمانمند حقوق مردم عادت نمی‌کند و این سند را چنین داعی جنب‌وجوش می‌بخشد. ۹. طرح تحول را در فضای ارج‌نهادن به حقوق عامه تحلیل کرده و اطمینان دارم اگر موانع اجرائی آن رفع و لوازم تحقق آن فراهم شود، دسترسی به عدالت و تضمین آزادی در کشور وضعیت بهتری خواهد داشت.

۱۰حکمرانی قضائی آن‌گاه شایسته است که شهروندان با اتکا به حق استیفای خود عدلیه را در دسترس، سهیل‌الوصولی کارآمد و اثربخشی‌محقق نشود. مجازات خشن کاهش یابد. اعدام به حداقل ممکن برسد. پیشگیری از فساد و جرم بر مقابله پسینی ارجح باشد. دادستان قضائی و اداری رویکردهای قبل از جرم را با ابزار تأمینیی کنترل و نظارت کند. سند تحول حتما رویکرد ارزش‌مندی است مشروط بر اینکه تحقق‌پذیری اجرائی یابد.

ادامه از صفحه ۳

اینجا به تدریج از دور دوم گرفت و کم‌کم اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیدند که ظاهرا اشتباهات زیادی کرده‌اند که کار به اینجا کشیده است». از اینجا به بعد وارد قسمت اصلی بحث می‌شویم. من معتقد نیستم کاهش آرای این طیف بعد از سال ۹۶، عمدتا معلول اشکالات درونی جریان اصلاحی و سایر میانه‌روها و ناتوانی و بدعمل‌کردن آنها باشد. متأسفانه بسیاری از دوستان وضع موجود را صرفا معلول عملکرد دولت و حتی اصلاح‌طلبان می‌دانند یا حتی جنبش اصلاحی را از بدو شکل‌گیری بدون دستاورد تلقی می‌کنند و شعار «تغییر گفتمان» و «راهبر» می‌دهند. البته من از افرادی که این حرف‌ها را می‌زنند نکتة یا نظر قابل اجرائی، نمی‌شنوم. از آنان در مورد منظورشان از تغییر «گفتمان» و «راهبرد» سؤال می‌کنم و پاسخ روشنی نمی‌شنوم. مع‌الوصف این بحث و بحث نقد ارتباط با اصولگرایان معتدل، یعنی بزرگ‌ترین دستاوردهای بعد از ۸۸ و پیروزی در انتخابات ۹۲ را ضدارزش تلقی می‌کنند. خیلی از دوستان به این نتیجه رسیده‌اند که کاهش آرای طیف معتدل و میانه‌رو و اصلاح‌طلب عمدتا ناشی از اشکالات درونی این طیف است و معتقدند باید «گفتمان» و «راهبرد» جدید شکل بگیرد، بدون اینکه توضیح روشنی در مورد این پیشنهادها ارائه دهند. من چنین اعتقادی ندارم. گرچه معتقد نیستم اصلاح‌طلبان و میانه‌روها و معتدلیان بی‌عیب‌ونقص هستند. ده‌ها اشکال و ایراد به آنان وارد است، اما به‌هیچ‌وجه اعتقاد ندارم در صورت نبود این اشکالات، جنبش اصلاحی و میانه‌روی، امروز به بهترین شکل پیش می‌رفت و هیچ مشکلی سر راهش نبود.

اعطای سرفیدامضا به جریان تندرو

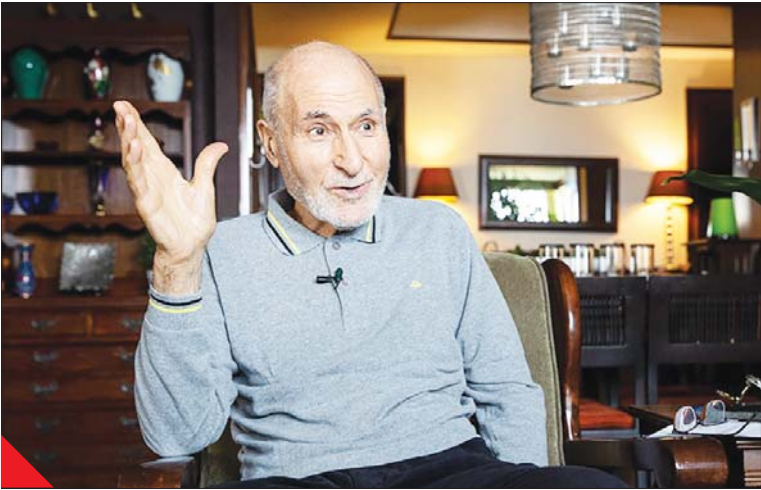
در ادامه این گفت‌وگو او به ریشه‌یابی دلایل تضعیف حرکت اصلاحی پرداخت. او دراین‌باره گفت: «جنبش اصلاحی، یک مشکل درازمدت دارد که از دوم خرداد ۷۶ گرفتار آن شده و یک مشکل کوتاه‌مدت که از ۹۶ به بعد به آن دچار است. مشکل درازمدت حرکت اصلاحی این بوده که بعد از پیروزی ناباورانه آن در دوم خرداد ۷۶، جریان تندرو تمام تلاشتش را کرد تا جایی که می‌تواند راه تکرار دوم خرداد ۷۶ را سد کند. شاید اگر در دوم خرداد ۷۶ پیش‌بینی پیروزی آقای خاتمی را می‌کردند، همان بلایی را سر ایشان می‌آوردند که سر آقای هاشمی در سال ۹۲ آوردند. ولی چون مثل ما فکر می‌کردند آقای خاتمی پنج، شش میلیون بیشتر رای نمی‌آورد، این کار را نکردند» جریان تندرو که امروز کاملا ماهیتش روشن و در افکار عمومی در اقلیت محض است، در عین حال قدرت زیادی در ارکان نظام دارد. این جریان از ۷۶ به این‌سو تلاش کرده تا در حد امکان، منافذی که می‌تواند از طریق آنها رای مردم کارساز باشد و کسانی روی کار بایاند که راه دوم خرداد ۷۶ را ادامه دهند، بگیرد و این کار را از دو راه انجام داد: اول با رخصلاحیت‌های عجیب‌وغریب که تا آن زمان سابقه نداشت. دوم از طریق مایوس‌کردن مردم از آرایشان و نهادهای انتخابی در سرنوشت کشور و در نتیجه عدم حضورشان پای صندوق‌های رای. تجربه نشان داده هورقت شرکت‌کننده در انتخابات کم بوده، پیروزی با تدروها بوده و هرگاه شرکت‌کننده زیاد بوده، شکست خورده‌اند؛ بنا بر این راهبرد درازمدت، جریان مخالف اصلاحات که امروز به جریان تندرو معروف است، از یک طرف جلوی منافق حضور جریان‌های غیرقابل قبول را در رقیابت‌های انتخاباتی می‌گیرد و از یک طرف هم مردم را مایوس می‌کند. به‌تدریج این روش‌ها تکامل پیدا می‌کنند. تدروها در بدو امر علاقه‌مند بودند مشارکت گسترده باشد ولی آنها برنده شوند، اما وقتی دیدند شدنی نیست، در انتخابات مجلس سال ۹۸ اهمیتی به مشارکت زیر ۵۰درصدی که در تاریخ انقلاب بی‌سابقه بوده، ندادند و پیروزی نامزدهای خود را با رای حداقلی مردم، نظیر انتخابات دور هفتم مجلس، به‌ناچار پذیرا شدند. گرچه مشارکت محدود مردم برای جریان تندرو ایدئال نیست، مع‌الوصف باید دانست که همین عدم حضور یعنی چک سفید برای جریان تندرو.

برجام پیروز بود

نبوی در ادامه به بررسی کارنامه دولت روحانی پرداخت، او با بیان اینکه روحانی سوپرمن نبود، اما کارهای مهمی در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش کرد، می‌گوید: «روحانی با امضای برجام، یک پیروزی تاریخی بسیار مهم برای کشور، انقلاب و نظام به ارمغان آورد. از همان اول طیف تندرو مشاوع به مخالفت با این دستاورد بزرگ کرد و تلاش کرد مانع نتیجه‌بخشی برجام شود. روزی که برجام به تصویب مجلس می‌رسید، هم‌زمان آزمایش موشک‌های دوربرد با تمام شکوه و عظمتی و پیام داشت. بلافاصله بعد

سیاست

اصلاحات، سیاست صبر وانتظار



از امضای برجام، ده‌ها هیئت اروپایی، ژاپنی، کراهی و... از کشورهای پیشرفته اقتصادی و صنعتی به تصور اینکه با لغو تحریم‌ها و تعهدات ایران در برجام، شرایط تغییر کرده است، به کشور ما برای آغاز همکاری و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی آمدند، سرمایه‌گذاری‌هایی که ما نیازمندشان بودیم. متأسفانه با این قبیل اقدامات که یکی را مثال زدم، به دنیا این پیام داده شد که هیچ چیزی در ایران تغییر نکرده و با امضای برجام، امکان ایجاد و گسترش روابط اقتصادی وجود ندارد و هیئت‌های بزرگ خارجی بعد از این حوادث، ناامید و مایوس بازگشتند و توطئه دشمنان برای سرمایه‌گذاری در کشور ختنی شد! ضربه دوم به برجام، پیروزی آقای ترامپ در انتخابات آمریکا بود که منجر به خروج آن کشور از برجام و برقراری گسترده‌ترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها علیه کشورمان شد که بهانه خوبی برای حمله تدروهای داخلی به برجام و بی‌نتیجه‌شان دادن آن شد. بی‌سبب نیست که شکست ترامپ این‌قدر در اینجا سبب سوگواری طیف اصولگرای تندرو شد. واقعیت این است که مواضع ترامپ با مواضع این آقایان همسو بود.

ترامپ که روی کار آمد، دو طرف مانند دو تیغه قیچی، ریسمان پیوند برجام را بریدند. جریان تندرو هم مرتب در جامعه و افکار عمومی القا می‌کرد که این برجام چه دستاوردی داشت؟ شما که می‌گفتید همه مشکلات با امضای برجام حل می‌شود، چرا نشد؟ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عامل اصلی شکست دولت معتدل و میانه‌رو و حرکت اصلاحی در دو، سه سال اخیر، همین هماهنگی و همفکری میان دولت کنونی آمریکا و جریان تندروی داخلی بود. اینکه ما آدرس غلط بدیم، فکر کنیم اگر روحانی فلان استاندار و وزیر را به موقع عوض می‌کرد مشکل حل می‌شد، اشتباه بزرگی است.

تعریف اصلاحات

نبوی در میانه این گفت‌وگو به بررسی اشتباهات اصلاحات و اعتدال می‌پردازد. او با طرح این سؤال که چه باید کرد، می‌گوید: «اینکه چه باید کرد، کاملا مشخص است. ابتدا باید حرکت اصلاحی را برای خودمان بازتعریف کنیم و ببینیم آیا نیازی به تغییر گفتمان یا راهبرد داریم یا نه؟ همه ما حرکت اصلاحی را بعد از شکل‌گیری، این‌طور تعریف کردیم: «خیزشی قانونی، مسالمت‌آمیز در جهت تغییر وضع موجود به وضع مطلوب، در چارچوب نظام موجود». معتقدم این تعریف امروز هم مشکلی ندارد. «وضع مطلوب» نیز در این تعریف سه پایه دارد: آزادی، مردم‌سالاری و عدالت، جنبش اصلاحی بعضا در عملکردش با این تعریف دچار تناقض شده است. فی‌المثل من در اواخر دوره ششم مجلس از منتقدان آقای خاتمی بودم که چرا با آن رخصلاحیت‌ها، انتخابات دور هفتم مجلس شورای اسلامی را برگزار کرد. ولی اگر آقای خاتمی نمی‌خواست انتخابات را برگزار کند، برکنار می‌شد و دولت دیگری می‌آمد. از آقای خاتمی هم شنیدم که به برخی دوستان گفته‌اند اگر من انتخابات دور هفتم را برگزار نمی‌کردم، ماجراهای سال ۸۸ در همان انتخابات دور هفتم

یعنی سال ۸۳ به وقوع می‌پیوست.

به‌هرحال، به نظر من، ما در تعریف اصلاحات نیاز به تجدیدنظر نداریم. برخی از دوستان ممکن است امروز بگویند اصلاحات در چارچوب نظام نباید باشد و به نظر من این یعنی براندازی. آیا می‌خواهیم دنبال براندازی باشیم؟ بعید می‌دانم از بین اصلاح‌طلبان کسی این را بخواهد. البته اگر بخواهد دنبال آن کار برود، صفش از صف اصلاح‌طلبی جدا می‌شود و این تغییر دیگر تغییر «گفتمان» و «راهبرد» نیست. حرکت اصلاحی تا وقتی با مؤلفه‌های حرکت قانونی و مسالمت‌آمیز برای تحقق آزادی، عدالت و مردم‌سالاری در چارچوب نظام موجود باشد، قابل تداوم است و در غیر این صورت می‌تواند «براندازی با روش‌های مسالمت‌آمیز» نام‌گذاری شود.

ضمنا باید دقت کرد که حرکت اصلاحی، حرکتی دفعی و ضربتی نیست که یک‌شبه به نتیجه برسد. یک حرکت تدریجی است که ممکن است خیلی از جوان‌ها حوصله‌اش را نداشته

باشند، ولی نمی‌شود یک‌شبه به نتیجه رساند. صبر در ذات حرکت اصلاحی است».

در ادامه نبوی با بیان اینکه اینن را هم باید توجه داشت که حرکت اصلاحی الزاما حرکت کم‌هزینه نیست، افزود: «شاید اولین اصلاح‌طلب در کشور ما شهید امیرکبیر بوده. می‌بینیم که دو سال و چند ماه حرکت اصلاحی را ادامه می‌دهد، به بهترین شکل ممکن. آخر سر از حمام فین کاشان درمی‌آورد. حرکت اصلاحی حرکتی بی‌هزینه نیست. وقتی صحبت از این می‌کنیم که باید حرکت اصلاحی مسالمت‌آمیز، قانونی و تدریجی به نتیجه برسد، نه به خاطر عافیت‌طلبی است، چراکه اصلاحات امیرکبیر، جنبش ملی‌شدن صنعت نفت و... را پیش‌رو داریم».

اصلاحات و سیاست صبر و انتظار

سؤال این است که حرکت اصلاحی، با تعریفی که کردیم، تا کجا قابل تداوم است و به بن‌بست نمی‌رسد؟ به نظر من تا وقتی انتخاباتی وجود داشته باشد و امکان شرکت در آن باشد و آرای مردم خوانده شود، حتی اگر بسیاری از کاندیداها را رخصلاحیت کند، امکان ادامه فعالیت حزبی با وجود محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کنند، وجود داشته باشد. مواضع خودمان را بتوانیم از طریق وسایل ارتباط جمعی، ولو فضای مجازی صریحا اعلام کنیم. اگر زمانی گفتند دیگر چیزی به نام انتخابات نداریم یا اگر امکان اعلام مواضع و صدور بیانیه در وسایل ارتباط جمعی نداشتند باشیم یا حتی فضای مجازی نظیر کره‌شمالی مسدود شد و... تنها راهی که من برای اصلاح‌طلبان می‌شناسم، در صورت بقای بر اصلاح‌طلبی «سیاست صبر و انتظار» است. سیاست صبر و انتظار یعنی در عرصه سیاسی سکوت پیشه می‌کنیم و تا بازشدن مجدد حداقل فضای سیاسی، روزه سیاسی می‌گیریم. اگر «صبر و انتظار» را قبول نداشته باشیم، باید به دنبال انقلاب جدید برویم که من نتیجه آن را بدتر از صبر و انتظار می‌دانم. استنباط من این است که امروز جوئانان هم عاقل شده‌اند و کسی در دنیا دنبال انقلاب نیست و

انقلاب از نظر همه مردود است. بنابراین در شرایط کنونی، به نظر من، تنها راهبرد ممکن و البته بسیار دشوار در کشور ما، حرکت اصلاحی است و برای من تغییر راهبرد و حتی گفتمان در این چارچوب متصور نیست. شرایط همه هنوز به‌گونه‌ای نیست که اتخاذ سیاست صبر و انتظار را ایجاد کند. بخش یابانی این سخنرانی به طرح سؤالات پزشکان انجمن اسلامی اختصاص یافت. سؤالات آنها درباره مبحث سیاست صبر و انتظار بود. نبوی در پاسخ به این پرسش که شما برای جریان اصلاحی چیزی به نام هویت، پرنسپ یا عزت‌نفس قائل هستید؟ آیا برای پیشنهادهای خود حد فیزیق قائل نیستید؟ سیاست صبر و انتظار یعنی چه؟ گفت: دوستان عزیزی که سؤال کردند، عمدتا منتقد صحبت‌های من هستند، بدون اینکه راهکاری بدهند. هیچ‌کس اجابایی نگفت که باید کرد. با خودتان اگر خلوت کنید می‌بینید کار خاتمی نیست. می‌دانم تمام پیشنهادهایی که داده‌ام، حداقل در کوتاه‌مدت کم‌نتیجه است؛

اما چون راه‌های دیگر، یعنی عبور از اصلاحات را شکست‌خورده و ناممکن می‌دانم، اصلاح‌طلبی را پیشنهاد می‌کنم. به جوانان گفته‌ام سه راه بیشتر برای تغییر وضع موجود وجود ندارد: انقلاب، دخالت خارجی یا موانع داخلی. انقلاب و دخالت خارجی که تکلیفش روشن است و ناچالش را اطرافمان می‌بینیم. می‌ماند اصلاحات. نه اینکه اصلاحات بی‌عیب‌ونقص است، بلکه تنها راه موجود است. من راه دیگری غیر از این سه راه نمی‌شناسم. معتقدم تنها راه ممکن کمتر بد، اما چندان بد نیست، من نمی‌گویم بهترین راه‌حل‌ها را پیشنهاد می‌دهم، بلکه راه بهتری نمی‌شناسم.

بله، راهی که ما می‌رویم حد یقف ندارد.

مگر روزی باورتان می‌شد آقای روحانی عضو جامعه روحانیت مبارز، تشکل قدیمی اصولگرا را کاندیدا کنیم و از دکتر عارف که برچسب اصلاح‌طلبی دارد به نفع روحانی منصرف شویم؟ یا کف‌پیش کجا بود؟ ما درباره عالم واقعیات صحبت می‌کنیم. آیا واقعا امروز انتخاب

آقای ناطق، رقیب سال ۷۶ آقای خاتمی را اگر نامزد ریاست‌جمهوری بود، به‌عنوان رئیس‌جمهور به انتخاب سردار محمد با آقای قالیباف ترجیح نمی‌دهید؟ در چنان شرایطی، حتما شما هم سراغ ناطق می‌رفتید؛ بنابراین حد یقف وجود ندارد. حتی اگر بخواهیم در عالم واقع سیر کنیم، باید بگوییم هرکدام کمتر بد بود، به سمتش می‌رویم. البته ممکن است شما نه آقای ناطق، نه سردار محمد و نه هیچ‌کس دیگر را در هیچ شرایطی قبول نداشته باشید، طبعاً به عنوان یک اصلاح‌طلب چاره‌ای جز اتخاذ سیاست صبر و انتظار درباره انتخاب رئیس‌جمهور نخواهید داشت.

نبوی همچنین در پاسخ به پرسشی درباره پیش‌بینی انتخابات ۱۴۰۰ گفت: درباره انتخابات آینده این‌طور احساس می‌شود که بنا دارند انتخابات بدون رقیب یا رقابت توسط وابستگان رقبای یک طیف شکل بگیرد. اگر کس یا کسان دیگری هم اجازه حضور پیدا کنند، باید از عدم رأی‌آوری آنان اطمینان حاصل شود؛ و قانون جدید مجلس هم بعضی مشکلات احتمالی را برایشان حل خواهد کرد؛ اما بدان معنی نیست که از الان دست‌ها را بالا بگیریم و تسلیم شویم! استنباط من این است که در آمریکا با انتخاب بایدن و بازگشت آمریکا به برجام و لغو حداقل بخشی از تحریم‌ها، البته مشروط به اینکه تدروهای داخلی اجازه دهند! ممکن است شاهد جو مثبت موجی از امید در داخل کشور باشیم. نگرانی تدروهای داخلی از شکست ترامپ و مصوبه شتاب‌زده مجلس برای خروج تقریبی از برجام نیز برای جلوگیری از ایجاد این موج و امید است. به نظر اگر خوب عمل شود تا شرایطی که بلافاصله بعد از شکست ترامپ، یعنی سقوط نرخ دلار و سکه به وجود آمد، تداوم یابد، سبب ایجاد موج در جامعه می‌شود. مردم ما با امواج مختلف به صحنه می‌آیند. خاتمی محصول یک موج در سال ۷۶ بود. روحانی محصول یک موج در ۹۲ بود. موج رخصلاحیت هاشمی به سود روحانی تمام شد. به نظر باید به انتخابات آینده ورود کرد. مگر راهی جز انتخاب بین نامزدهای یک طیف یا نامزدهای قاعد پایگاه اجتماعی باقی نماند که در آن صورت چاره‌ای جز عدم معرفی کاندیدا از مواضع اشتباهی نخواهد بود. در‌حال‌حاضر نمی‌شود شرایط را پیش‌بینی کرد.

او در پاسخ به این سؤال که چرا سیاست صبر و انتظار را پیش می‌گیرید، گفت: «عرض کردم سیاست صبر و انتظار را پیش می‌گیرم چون اصلاح‌طلب هستم. معتقدم حرکت اصلاحی اگر به بن‌بست برسد، به دنبال انقلاب یا دخالت خارجی نمی‌رود، بلکه سیاست صبر و انتظار پیش می‌گیرد تا شرایط برای فعالیت اصلاح‌طلبانه فراهم شود».

او همچنین در پاسخ به این پرسش که به نظر می‌رسد منتقد برخی رفتارهای گذشته هستید، گفت: «طبیعی است که نقدهایی بر برخی از رفتارهای گذشته داشته باشم؛ البته معتقد نیستم که بر اثر نبود آن نقدها، سرنوشت اصلاحات کلا تغییر می‌کرد.

او در پایان در پاسخ به دکتر اعظم‌مهدوی درباره اینکه آیا ضعفا و برخی شعارها در اصلاحات به فراموشی سپرده شد نیز گفت: «من هم تا حدودی دارم. البته در دوره ریاست‌جمهوری آقای خاتمی وضع اقتصادی کشور خوب بود و بهترین شاخص‌ها را داشتیم. در تمام آن دوره تلاش شد نرخ ارز و کالاهای اساسی تغییر نکنند و آن اقدامات در جهت تحقق عدالت اجتماعی بود اما نه به این شکل که در زمان آقای موسوی به مسئله عدالت توجه می‌شد. شاید بهتر بود و بهتر هست که اصلاح‌طلبان توجه بیشتری به این مسئله کرده و بکنند.

نبوی در پاسخ به این پرسش که اگر قدرت به دست تدروها بیفتد چه خواهد شد، گفت: «تعبیر من این سؤال این است که مگر بدتر از این می‌شود که دست ما بوده؟! بله بدتر می‌شود. تجربه دولت آقای احمدی‌نژاد را داریم، بدترشدن‌ها را آن زمان دیده‌ایم.

تجربه مجلس یازدهم را هم در همین کوتاه‌مدت پیش‌رو داریم. با همین مصوبه اخیر مجلس درباره برجام که بعید است از دوستان سؤال‌کننده کسی مدافعتش باشد؛ بنابراین اگر منظور از این سؤال این است که در صورت حاکمیت تدروها هیچ اتفاق بدتری نمی‌افتد، من معتقد نیستم. البته همیشه در ذهن من این است که بنای آقایان این است که اجازه ندهند اصلاح‌طلبان و میانه‌روها در دوران آقای روحانی، به هیچ نتیجه مثبتی برای حل مشکلات مردم و کشور برسند و وقتی اینها را کنار زدند، ممکن است خودشان سعی کنند مسائل را حل کنند. امیدوارم آن‌طور باشد و ضمن اینکه اجازه نمی‌دهند آقای روحانی هیچ پیشرفتی حاصل کند، خودشان بتوانند مشکلات را حل کنند. تنها نگرانی من دو چیز است؛ یکی اینکه زمان را از دست بدهیم؛ مثلا مصوبه مجلس زمان را کاملا از ما می‌گیرد و ما را با دولت جدید آمریکا، دولت‌های اروپایی و همه دنیا درگیر می‌کند. دوم اینکه آیا آدم‌های قابل قبولی دارند که بتوانند این کارها را بکنند؟ شاید اگر آقای طریف را به‌عنوان مذاکره‌کننده بفرستند، بتواند کار را انجام دهد. البته چنین سعهه صدری را بعید می‌دانم!

ادامه از صفحه اول

نگرانی اجتماعی

از مدیریت کرونا واکسن

انتقادات رسانه‌ای نیز حاکی از این نگرانی است؛ زیرا احساس می‌شود که قوه مجریه در واردکردن واکسن کرونا برای استفاده شهروندان، به‌خوبی عمل نمی‌کند. البته رسانه‌ها می‌دانند که قانون افای‌تی اف می‌تواند در راستای مقابله با پول‌شویی و مبادلات دور از چشم مالی، وارد عمل شود؛ اما به دلیل مخالفت مجمع تشخیص مصلحت نظام با تصویب برخی از لوایح، ایران را از مواهب تصویب آن محروم می‌کند و به‌این‌ترتیب ارتباطات بانکی ایران با جهان، محدود شده است. البته رئیس‌جمهوری به این مشکل در جلسه هیئت دولت اشاره می‌کند: «بهترین راه برای مبارزه با فساد، تصویب لوایح معروف به افای‌تی اف است» و اینکه «ممکن است بعضی‌ها خوش‌شان نبایند». در یک راه‌حل مدرن، مطابق آنچه معلوم شده، استحکام و توسعه کشور، موکول به بازآوری اصل ملت-دولت (Nation_State) است که محوریت آن با خرد و منطق اجتماعی است و نوآندیشانی مانند دکتر جواد طباطبائی، استاد دانشگاه در سال گذشته در کتاب جدید خود، به این ضرورت اجتماعی اهتمام ورزیده‌اند. در ساحت سیاسی، چند مفهوم بنیاین وجود دارد که محصول جامعه مدرن است و برای تقویت اعتماد عمومی تأکید بر آنها لازم است که عقل جمعی، تفکیک قوا، حقوق شهروندی، قانون‌گرایی و همچنین دولت-ملت از شمار آنهاست. تعارف نادره که با بی‌توجهی به این مفاهیم، ممکن است کار به گسترش بی‌اعتمادی بکشد و درباره ساختارهای سیاسی قدرت، چه در سطوح پایگاه‌های قانونی، چه خود دولت یا در حوزه مجلس قانون‌گذار، بی‌تفاوتی عمومی ایجاد کند. به‌عنوان نمونه‌ای از این مفاهیم گذشته‌شده، افول مفهوم دولت-ملت در دنیای امروز، پیامدهای زیبایی در میان دولت‌های امروز جهان، به دنبال خود نباورده است. در مثال آسیب‌شناسی ایران، یکی این است که با وجود تأکید رئیس بانک مرکزی کشور از اختصاص ۲۰۰ میلیون یورو برای خرید واکسن، تغییری حس نمی‌شود که به عینیت‌یافتن این تصمیم منجر شود. همین به سهم خود؛ به سرودی رابطه دو سویه ملت-دولت کمک می‌کند؛ زیرا قیلا در زیرساخت‌ها، نارسایی دیده شده؛ چنان‌که ضعف سرمایه‌گذاری در اینکه فرهنگ بهداشت تثبیت شود، مقدمه‌ای بر این نتیجه‌گیری عمومی شده است! نباید فراموش شود که نبود الزام در اتخاذ تصمیمات سیاسی و ضعف تسلط دولت‌ها بر همه امور و جوانب، بر این گمان‌ها دامن می‌زند که از بازی اجتماعی با دولت‌کناره بگیرند. با این حساب، دولت‌ها هستند که در معرض آزمون مدیریت و راستی‌آزمایی قرار می‌گیرند. اکنون در کشور، با وجود آنکه خبر خوش می‌رسد که آمار قربانیان کرونا روزبه‌روز در حال کاهش است، کمکی محسوس به شادی عمومی نمی‌کند و به جای آن، زرمزه پنهان‌کاری و شایعه‌سازی در لایه‌های اجتماعی به بازتولید می‌رسد و همین می‌تواند جوانه‌های ناخواسته اضطراب و ترس عمومی را سبب شود. خوب است که همین نتیجه‌گیری معکوس در نمونه آورده‌شده، نخکیان فعال را به فکر بیندازد تا با ارائه راه‌حل‌های علمی، دولت را از نظرات خود پمجاز نکند. این دولت‌ها معضلات، هیچ استثنائی نمی‌پذیرد و می‌تواند همه دولت‌های جهان را خوبیش در بر گیرد؛ اما اگر به تجربه یک‌ساله کشور ایران در مبارزه با کرونا تأمل شود، به نظر می‌رسد که ضروری است مفهوم دولت-ملت بازنگری اساسی شود. اختلافات ریز درون دستگاه‌ها، موجب خدشه‌پذیری این اعتماد است. نمونه پیش‌رو در این امان‌زنی، مخالفتی است که محمدجواد لاریجانی، یکی از مسئولان خارج از بدنه دولت، به خرج داده. او در همین چند روز اخیر گفت که خرید واکسن کرونا، طرحی برای به زانو درآوردن ایران است! البته یک مسئول دیگر هم در این چند روز، به شکل دیگری، این را خشنودی را به زبان آورد. همین زرمزه‌ها، سبب می‌شود که در لحن و بیان رئیس‌جمهوری، واژه‌هایی مانند «رفراندام» و «تقسیر برخی بندهای قانون اساسی» شنیده شود تا نگرانی رئیس قوه مجریه بیشتر به چشم آید. همین‌طور است زمانی که حسن روحانی می‌گوید: «آنها که می‌گویند حالا تحریم باشد یا نباشد یا دو روز و سه روز عقب‌تر بیفتد، حتما وضع‌شان خوب است، ولی فشار اعتبار روی مردم است که هر روز در حال تحمل این فشار هستند». حسن ختام این یادداشت، نگاهی اجمالی به یک تحقیق علمی درباره زلزله اخیر در کشور ژاپن است. این مطالعه پیمایشی نشان می‌دهد که اعتماد مردم به دولت باعث افزایش شادی عمومی می‌شود. A.C.Ahuvia به‌عنوان پژوهشگر در سال ۲۰۰۳ میلادی به این نتیجه رسیده که در چند رویداد ویرانگر طبیعی در ژاپن، ملت و دولت به هم نزدیک‌تر شده‌اند. این به سبب بالارفتن همیاری اجتماعی رخ داده؛ زیرا با استقبال مردم برای کمک‌رسانی به مصدومان و بی‌خانمان‌ها در کنار دستگاه‌های موظف حاکم، آنها خود به خود نقش بازی کرده و یک خودباوری ملی را رقم برزند. این تعاون اجتماعی جوشان، توانسته به صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۸۱۶۲۰۹۹ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۰-۹۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۲۷-۱۰-۹۹ مهدی داودی رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ساری